

اتنوگرافی ہزارہ ما

انقلابِ ثور

گرد آورنده: محمد عوض نبی زاده کارگر

ACKU

نام کتاب : اتنو گرافی هزاره ها  
گرد آورنده : محمد عوض نبی زاده کارگر  
تیراژ : ۳۰۰۰  
محل چاپ : مطبعه دو لتي  
سال : ۱۳۶۵  
کابل - افغانستان



# اتنوگرافی هزاره‌ها

انقلاب ثور

گرد آورنده : محمد عوض نبی زاده کارگر

ناشر

وزارت امور اقوام و قبایل  
ریاست نشرات وامور فرهنگي



## پيشگفتار

افغانستان کشور باستانى ماکه خانه واحد همه مليتها و واحد هاى خورد و بزرگ و گوناگون است. در شرایط و اوضاع اجتماعى و اقتصادى مشترک، بایگانگى و ارتباط محتوم حیات به سر رسانیده دایم در راه سربلندى و سعادت و شگوفانى وطن کوشیده اند .

هزارهگان از دیرگامها و در طول تاریخ پر افتخار و وطن ، مردمى بوده اند بر دبار و صبو راماهیچگاهی بمنظور حفظ خاک و ناموس کشور ، در برابر تطميع و تهدیدهای اجنبى و زور مندانى که وابسته به آنان بوده سر تعظیم و تسلیم فرود نیاورد ه اند . این مليت بومى با شرف و عزت نفس بمنظور حاکمیت ملی و سربلندى میهن در کنار همه مليت های برادر باپای مردمى، اعتنا و توانمندى کامل زیسته اند .

ولى ، این سر زمین باستانى ما از گاهی که چشم استعمارگران و استیلا پيشه گان غربى به آن آشنا و قدم نحس آنان در آن گذاشته

شد دیگر نتیجه سعی و تلاش بران قرار گرفته تا ملیت های  
برادر افغانستان را از همدیگر ایشان بر کنار و متخاصم  
نگهدارند. و به اساس این سیاست استعماری وحدت آنان را به تبعیض  
وامتیا ز تعویض نمایند. لذا پرخاش و ستیز نده گی علیه همدیگر رایج  
و حاکم بر سر نو شت خلق ما گردید. از اینرو ، این سیاست تبعیض  
وامتیا ز تا پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک ثور به خصوص مرحله  
نوین و تکاملی آن ادا مه یافت. که خوشبختانه پیروزی انقلاب ثور  
به اراده خلق افغانستان رو فند همه آن نابسامانی ها و ناصوابی های  
زاده استعمار و عده یی از استعمار پسندان آن گردید. افغانستان مسیر  
آزادی را در پیش گرفت و با پیروزی انقلاب مردم ما ، کاملاً به آن دست  
یافتند .

هزاره جات یابه قول عده یی از اهل پڑو هس و تحقیق بنام  
غرجستان ، یاد شده که مفهوم کو هستان را می رساند. هزاره جات  
منطقه وسیع و کوهساری است که در صفحه مرکزی کشور جاداشته  
از نظر بررسی افغانستان شناختی قابل یاد آور ی و یک پدیده و نمودی  
است دلپذیر ، برای کافه هم میهنان و وطن پرستان کشور. تا باشد  
روز و روز گاری اهل روشنگر و پڑو هس ، چهره زرین و پر هستی  
این سر زمین خویش را به شکل شایسته به تفحص گیرند. و ما باور  
مند آنیم که از فیض انقلاب و دست آورد های ملی آن به آرزوی خود  
نا یل می آیم .

(محمد عوض نبی زاده )

۱۳۶۵

## موقعیت و وضعیت جغرافیایی :

سر زمین هزاره جات ، درموجودیت و موضع جغرافیایی جا دارد که از جانب شرق و شمال شرق به زیستگاه برادران پشتون و تاجک ، از سمت غرب با برادران تاجک و ایما قبا ، در ساحات جنوب و جنوب غرب با برادران پشتون و در سمت شمال هزاره جات با برادران ازبک و ترکمن پیوسته گی دارند . که این پیوسته گی و آمیزش ها به صورت دائمی مسالمت آمیز بوده چنانکه ، خصوصیت های فرهنگی و اقتصادی و محلی دریک دیگرشان پذیرا که گاهی هم و در مواردی به خویشی و ازدواجها گروه و در همخوانی انجامیده است .

سرزمین هزاره جات ، دارای کوه های بلند ، دره های طویل و فرورفته ، دریا های سرکش و دریاچه های شفاف میباشند . در کناره های این دریا ها و دامنه های کم عرض دره ها زمینهای آبی زراعتی قرار داشته ولی ، ساحه تپه ها و لاشه کوه ها مورد کشت جو و گندم للمی ، تعبیه گردیده ۱۴۵۰۰ زانها بهره برداری میشود . موقعیت کوهستانی هزاره جات از سردترین مناطق کشور بوده که سردترین مناطق هزاره جات را ، ناهور ، پنجاب ، لعل و سر جنگل و شبر تشکیل داده که زمستان های طولانی سخت و دشوار همراه با برف باری ها و برف کوه چای مدهش توام است چنانکه درجه برودت ساحه های فوق در حدود چهل درجه تحت صفر میرسد . ذکر کوه و کوه تلها ی هزاره جات مهم و قابل دلچسپی بود . چون در مناطق هزاره جات زمینهای هموار خیلی ناچیز و کمتر وجود دارد چنانکه از فرازی یکی از کوهپایه ها و کوتل های سر به فلک کشیده آن و یا از ستیغ بلند کوه با با که به جوانب مختلف این مناطق نظر اندازی شود که دیدشت و صحرا ها ، خود گواه بر گفته ما خواهد بود .

## کوه های زیبا و مشهور آن :

کوه بابا ، کوه هلاکو ، کوه عروس ، بند پیتا و ، کوه شاه ، گل کوه ، کوه سر انداز و کوه سنگ یخ و غیره ...

### کوتل های مشهور :

کوتل صدبرگ ، کوتل او نی ، کوتل زرد آلو ، کوتل زرد سنگ ، کوتل قو ناق ، کوتل ملا یعقوب ، کوتل شبر ، کوتل شاتو ، کوتل حاجی گک ، کوتل کالو ، و کوتل برادران است .

—کوتل او نی ، زادگاه و سرچشمه دریای کابل و فراسوی غربی و شمال غربی آن برخاست گاه دریای هلمند است . کوتل او نی سه هزار و یکصد و پنج متر ارتفاع داشته که آن را مرتفع ترین بخش و مدخل شرقی مناطق هزاره جات میدانند .

—کوتل شبر ، در انتهای علاقه داری شیخعلی که تقریباً در شمال آن موقعیت داشته و وصل دره «شکاری» میباشد که ارتفاعی کوتل مذکور به سه هزار و پانزده متر میرسد .

این کوتل ، حایل بین ولایت بامیان و ولایت پروان بوده که ضخامت طبقه برف آن در زمستان به یک متر و بیشتر از آن میرسد . و کوتل شبر ، قبل از احداث شاهراه سالنگ موصل سمت شمال کشور با کابل بود .

—کوتل ملا یعقوب ، مرتفع ترین کوتلها بوده که موصل ولسوالی بهسود با ولسوالی پنجاب می باشد .

—کوتل حاجی گک ، که بیشتر از سه هزار و سه صد متر ارتفاع دارد واقع در سیاه سنگ مربوط ولسوالی حصه اول بهسود بوده که در جنوب شرق دره (کالو) مربوط علاقه داری شبر و در شمال غرب دره حاجی گک قرار دارد .

سرزمین زیبا و طبیعی هزاره‌جات ویژه گی های به خصوص دارد که آشنا یی و معلوما ت به ۱۴۱ — سر زمین از نظر جیولوژی و جغرا — فیای تحقیق و بررسی علمی را ایجاب مینماید.

### **دریا و دریاچه ها :**

دریای نامور هلمند، که از پای کوه بابا ی بهسود بر میخیزد و از گیزآب ارزگان عبور نموده دریا ی قلعه بست شهر لشکر گاه وصل دریا ی از غنهاب شده، در ریگستان سیستان فرو میرود .

### **دریای یکا و لنگ :**

این دریا، از منطقه بند امیر سرچشمه گرفته وارد علاقه دری بلخ آب و ولسوالی سنگچار کمی شود .

### **دریای بامیان :**

از کوه بابا سر چشمه گرفته از دره شکاری گذشته بولایت بغلان و سمنگان میرسد . و دریا چه های ولسوالی پنجاب که هم، از کوه بابا سر چشمه میگیرند از طریق ولسوالی های ورث و شهرستان به دریای هلمند میریزند . و همچنان دریاچه های ولسوالی های جاغوری و مالستان که به دریای هلمند وصل میشوند .

### **نباتات و گیاه های طبیعی و طبی :**

این ها که در سرزمین هزاره‌جات به وفرت یافت میشوند عبارت اند . از :

- زیره .
- بادیان .
- جوانی .
- خاکشیر .
- زبان بره ( بار تنگ )
- گنده درونه .
- سیاه چرغو ( کاسنی )

- تورکی درونه .
- بزباش
- بو لو ( گندناى کوهى )
- قوق .
- رواش .
- پونه ( پودينه )
- خطمى .
- اسپه گک
- توسله .
- سبيج .
- بويه
- خوله .
- گنده مزاق .
- کوزه تونى .
- بلد ر غو .
- پالى
- قاف .
- نر کچور . ( نر کچول )
- اليه .
- بوربو . ( بدره )
- اسپند .

### وضع تاريخى :

در درازى زمان ، زنده گى هزاره گان مشحون بوده از حوادث و رویداد هاى ناگوار و فراز و فرودهاى ، چه در مرفه حالى کم و لى ، در مصيبت ها و رنج و غارت و محروميت کشى ها بيحد و حصر . از جمله يورش هاى پى در پى چنگيزيان ، که توام بوده با کشتن و غارتهاى

و به آتش کشیدن‌ها مانند ، به تارا چو آتش کشیدن شهر «غملغه» در بامیان ، حمله های ناکام دو رامیر دوست محمد خان توسط قبیله چند که هادی آنان اجنبی‌ها بودند . از ظهور حوادث خانمان سوز دور تاریخی که بگذریم وضع هزاره گان در دور جنگهای ده ساله امیر عبدالرحمن خان ، به دگرگونی‌ها ویرانگری های جبراً ناپذیری کشیده شده قتل و قتالها ، حد و حصری نداشتند ، مرگ و کشتار آدمیان با چارپایان توام بود و امری بود قابل ستایش و ثواب . غارت و یغما ی اموال و غنائیم حیاتی نیز ، بدینمنوال . هزاره گان که صرف سیاست انگلیسی امیر عبدالرحمن را پذیرا نبودند و امیر را که بهانه و دستاویزش بود صرف با عقیده مذهبی و شیعه گفتن و ازایه الحاد به آنان . که در فرجام ، شدت عمل و تاخت و تراج و کشتار های امیر ، منتج شد به مظلومیت و محرومیت های دیرپا و فرار و مهاجرت این قوم وطن پرست به سر زمینهای همسایه و بیگانه . گان

پس از مرگ امیر بی بند و بار ، ردور پسرش حبیب الله خان وضع مردم کشور ، آرامش نسبی یافته و جنگ و خونریزی ها تا حدود زیادی ته کشیدند . مردم به زنده گی عادی دست یافتند . هزاره جات که از اثر جنگهای دراز مدت در تباهی و تشتت بی حساب فرو رفته بود ، مردم آن از لحاظ اقتصادی فرهنگی و اجتماعی در موقعیت وضع ناهنجار و مظلومیت نامطلوبی قرار داشتند - آن رویداد دلخراش ده ساله دور امیر ، در طرز زنده گی مادی ، روانی ، حقارت و اسارت و زنده گی وسیاسی آنان نیز تا اثر های منفی و سرخوردده گی ها بی جا گذاشت . که این پدیده ، اثر و ماجرای حسرتبار هم یکی دیگر از صد ها پدیده المبار تاریخی و اجتماعی ماست که نصیب و بهارمغان انقلاب ملی - دموکراتیک ثور رسید . وضع هزاره گان ، در دور شاه امان الله دموکرات ، بهتر شد و طوق اسارت و حقارت ازدوش و گردن این ملیت وطن پرست و صادق

از هم گسیخته گردید. در روز گاروگردو نه شاه امان الله، مردم کشور به خصوص مردم هزاره مجال و فرصت آن را یافتند تا زنده گی از هم پاشیده و ویران شان را سر و سامان دهند و از نا بسامانی ها برهند. و هزاره گان بودند که در برابر از مشی و حکومت شاه امان الله بیدریغ دفاع کرده پشتیبانی خویش را ابراز داشتند. ازین رو در جریان سالهای (۱۹۰۱م) و (۱۹۷۸) یعنی در مدت بیشتر از سه ربع قرن حادثه و موضوع چشمگیری که در زنده گی اجتماعی این مردم رخ داده اثر بارز داشته باشد در ساحه زیست آنان به ظهور نرسیده و لی این مردم، از معارف، شفا خانه، پروژه های ساختمانی و زراعتی، سرک و رشد فرهنگی به کلی بی نصیب بوده، نه اینکه از پست های دولتی و هرگونه حقوق و امتیازات اجتماعی محروم نگاه داشته شده، بلکه در آزا مورد تحقیر، تبعیض تخریب و نفرت قرار داشتند. معینا، این مردم صادق و زحمتکش و خادم و وطن، با پشت کار، باهمت بلند و درستی عمل همواره در امر ساختمان کشور به حیث نیروی عمده کار انسانی سهم بارز و بی ریا داشته اند. از هیچگونه سعی و تلاش و از خود گذری دریغ نورزیده در هیچ امری از امور کشور بی مبالا نبود هاند. و هیچگاهی، در راه عمران و وطن دستا ن آنان خالی از آبله های کار و پیکار نبود هاست. چنانکه، در یکی از شماره های جریده «پرچم» ارگان نشراتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، چنین میخوانیم:

(مردم زحمتکش و وطن پرست هزاره که عمده تا در قلب کوهستانات مرکزی افغانستان زنده گی میکنند در امر انکشاف و خدمت به وطن محبوب افغانستان سهم بزرگ ایفا کرده اند این فرزندان زحمتکش و وطن در دشوارترین شرایط محیطی در گرمای و سرما در دشت و کوهستانات به وسایل ساده بیل و کلنگ تا وسایل غول پیکر ماشین در خدمت آبادی وطن قرار گرفته، و پیوسته در خدمت خلق و مادر وطن کمربسته اند. کارگران پاک دل و وطن پرست

هزاره توأ نسته اند آنرا فرا بگیرند و بکار خستگی نا پذیر و عمل را ستین خود سکوت مر گبار دشت های وحشی و رام کردن در یاها و اعمار جاده های کو هستا نی اهلیت و طن پرستی خود را ثابت سازند (

### وضع اقتصاد ی هزاره گان :

هزاره جات يك سر زمین كاملا کوهستا نی است که ساحه های قابل زرع آن کم بوده چندان قابل زراعت نمی باشد. با این ، تمام ساکنان پیشه زراعت و مالداري داشته که اساس زنده گی آنان را تشکیل میدهد . چون نسبت کو هستا نی بودن زمینهای کشت و زرع آن به غایت کم است لذا زمینداران حاصل کم از زمین های شان برداشته که این انداز ه تولید در هزاره جات فوق العاده ناچیز است . از این جهت ، باید متذکر شد که تکثر روز افزون نفوس ، عدم کار خانه و کار های صنعتی ماشین و وضع نامساعد طبیعی و اقلیمی پشت این مردم رازیر بار اقتصاد هیچ و ناچیز به انتهای درجه خم کرده است . و به خصوص شدت و کثرت امراض دربیمن اکثریت اهالی و به خصوص مرض خا نما نسوز لپر (جدام) در مناطق لعل و سر جنگل و یکا و لنگ ولایت با میان .

زراعت در هزاره جات به شکل کاملا ابتدایی جریا ن داشته ، قلبه ذریعه گاوان صورت گرفته آبیاری و درو ، جغل و پاک کاری گندم از کاه بادست و به روشهای کهنی و عقب مانده انجام میگیرد ، کشت آبی وللمی در تمام هزاره جات يك فصله بوده که این موضوع دهقانان را در محرومیت ، فقر و نیازمندی دایمی نگاه داشته است . اما ، با اینهم گندم ، جو و جوار ی ، نخود ، شاخل و کلول ، باقلا و عدس کشت و مورد استفاده قرار میگیرند . از رشقه و شبدر که بیشتر از دوبار درسال دور نمیدهد برای زمستان مال و مواشی و چار پایا ن استفاده میشود در سالهای آخر ، زرع کچالو نیز تا حدودی در بعضی از نقاط هزاره جات مثلا ، در ولایت بامیان رایج گردیده که نتیجه قابل ملاحظه یی از آن در دست آمده . و شالی کاری هم ، در شهرستان ، سرخ جوی و رت

ولسوالی خواجه عمری و ولسوالی دوشی صورت گرفته که مورد بهره برداری است. نسبت برو دت هوا، غرس واحداث باغها و درختان میوه در اکثر مناطق هزاره جات معمول نبوده تنها در مناطق گرمسیر چون، شهرستان، جاغوری، جفتوقره باغ، دایکندی و قسما در ولسوالی یکاولنگ مرکز با میا ن وجود داشته که از آنها رفیع نیاز مندی میشود. درختان بید و چنار در همه جا وجود داشته که از آنها صرف در پوشش منازل و ساختن دروازه ها استفاده میگردد. مالدار ی و دام پروری، از فعالیت و کار های عمده اقتصاد ی این مردم بوده چنانکه کمتر خانواده یی رامیتوان سراغ کرد که در کار دام داری تشبث و اشتغال نداشته باشد. زیرا، تا حدودی تپه ها و کوه های هزاره جات سرسبز و دارای علفهای مفید طبیعی میباشد. و علفچر های هم که زمینها را برای مالدار ی مساعد گردانیده است. چون در هزاره جات از هیچگونه فابریکه و موسسه صنعتی نام و نشانی که جوابگوی نیاز مندی و مشغولیت و تربیه آنان در کارهای صنعتی و ماشینی گردد وجود ندارد از این رو، مردم خود برابر با استعداد و سلیقه و جدو جهد شان سعی و تلاش به خرچ داده، گلیم، برك، شال، نم، کرک، خاک دو زی، جراب، جاکت و دیگر اشیای پشمی را با زیبایی و کیفیت خاصی تولید نموده که اگر از جانبی جوابگوی نیاز مندی های شان است. از جانبی این فر آورده های دستی از محبوبیت و پسند عام و خاص مردم کشور نیز برخوردار است که خوشبختانه در روزگار حاضر صنعت قالین با فی هم در بعضی از مناطق هزاره جات رایج گردیده. حرفه های نجاری، آهنگری و خیاطی به شکل کیفی و اطمینان بخش آن در هزاره جات در خور ستایش و پدیدۀ امیدوار ی آینده ماست.

### دربخش تجارت :

تجارت هزاره گان، به صورت عنعنه یی و ساده آن رایج بوده که اکثر اهالی مناطق اجناس و اشیای از قبیل : زیره، بادام، خسته،

شیرین بویه ، چوب تعمیرا تی، کچالو ، پشم ، روغن حیوانی ،  
گوسفند ، گلم وبرك ، نمذ ، قروتوجا کتہای پشمی را آنہم بہ مقدار  
کم و ناچیزی در جا های مختلف و شہر کابل انتقا ل و عر ضہ  
نمود ہ در برابر مواد اولیہ و ضروری مایحتاج شان را تہیہ و درزیستگاہ  
ہای شان انتقا ل میدہند .

### بخش فرهنگی :

خلق ہزارہ ، ( نودوپنج ) فیصد مذهب اثناعشر ، ( چار ) فیصد پیرو  
فرقہ اسماعلیہ یک فیصد مذہب تسنن داشتہ و از نظر فیصدی کمتر  
اہل تشیع « اخباری » دارند . از عنعنہ های مردم ہزارہ است کہ اہل  
سادات خویش را از خاندان بنی ہاشم دانستہ بہ آنان احترام می  
نمایند چنانکہ ، دست های آنان را بوسید ہ از پنج قسمت عواید  
خانوادہ یک قسمت آن را بہ نام «خمس» بہ اہل سادات می پردازند .  
ہزارگان ، بہ زبان دری ( لہجہ ہزاہ گی ) سخن گفتہ اما با اینہم  
طرز صحبت و گفتار های لہجہ ی بین قبایل دہ گانہ آنان با کم  
تفاوت های در جریان است . مردم ہزارہ در سرودن شعر عامیانہ  
و ادبی ، نثر نویسی ، تاریخ نویسی و داستان سرایی بد طولانی  
داشتہ کہ بخش پر افتخار فرهنگی کشور ما را تشکیل میدہد . کہ بد  
بختانہ مدتی از رشد آن جلوگیری بہ عمل آمدہ ہیچگونہ  
توجہی صورت نگرفتہ اما ، خوشبختانہ و باصراحت میتوان گفت کہ  
بعد از پیروزی موفقانہ انقلاب ملی - دموکراتیک خلق افغانستان ،  
بہ منظور تبارز و رشد فرهنگ غنی ، پسندیدہ و ویر پای خلق  
ہزارہ ، اقدامات سود بخش و عملی روی دست گرفته شدہ کہ در اکثر  
نشورات کشور تبارز نمود چنانکہ طبع و نشر اشعار ادبی و عامیانہ  
ضرب المثلہا ، فلکلور ، داستان ، مقالہ های در زمینہ تاریخ و سرنو -  
شت این قوم ، طی مجلہ ملیت های برادر و جریدہ ندای کہسا رارگان  
نشراتی شورای مرکزی مردم زحمتکش ملیت ہزارہ بہ چاپ  
و نشر رسیدہ و «گلمہای کہسا رسالہ» لہجہ های مروج مردم ہزارہ ،

دایزنگی ، بهسود و جاغوری « که طبع گردیده در دسترس علاقمندان  
ومردم ماقرار گرفته .

نمونه های از چار بیتی ، چستان و ضرر بالمثلها :  
چاربیتی :

لب جو یه لب جو یه گلی مه .  
چطور لالان و مجرویه گلی مه .  
زدست مردمان دوراز انصاف .  
سخن با ما نمیگو یه گلی مه .

• • •

چطور از دور پیدایی موهردو .  
عجب از عشق سودایی موهردو .  
به مثل روزه داران روزه داری .  
بیاکه روزه بکشایی موهردو

• • •

دیدي مه کولی (کلاه) گلدار مودوزه .  
يك ، دو نمو دوزه بسیا ر مودوزه .  
به دو ختو ( دو ختن ) یار مه جوره نداره  
جوب ( اندازه ، برابر ) سر یادلدار مودوزه .

• • •

ضرب المثلها :

روی بچی توره از خاطر روی بچی خود خو مخ (ماچ) موکنم .  
(در مورد ارادتمندی )

مه از شیر بزه کان خو (خود) ، توچکه وسر خکان ( نوع میوه  
کوهی)

(در مورد تعاون و اتفاق و بی امتیازی )

خر تو اگه آورده نتانست ، برده هم نمیتانه .

(در مورد سوغات و سیالهداری )

## د رمورد چیستان

رسیون ( ریسمان ) رسه رسه (پارچه پارچه ) هر چه دراز کنسی  
میرسه

(چشم)

دسترخان زنگا لی سر تا پایشی مرواری  
(آسمان)

طاقچه ، پر میخچه .

(دهن)

قورغول بره بازیگر نه دل داره نه جگر

(مشك دوغ)

هزاره گان مانند سایر ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور، دارای سنن و عرف و عنعنه های پسندیده بوده که از دیر گاه و پارینه های دور ، حافظ فرهنگ اصیل مردمی و ملی و سروده های خوش و منتخب خویش بوده اند ، که البته این سروده ها از نظر مناطق مختلف با آواز و لحن های گوناگون توسط آله های متنوعی چون ، دنبوره ، سه تار ، غیچک ، توله نواخته و خوانده میشود که اینها همواره به شکل زیاد گرم و دلچسپ آن در مراسم اعیاد ، روز های ملی ، جشنواره ها و مراسم عروسی و غیره برگزار میگردد . و همچنان در شبهای زمستان افسانه گوئی ، داستان سرایی نقل از سرگذشت های بزرگان و فولکلور و خواندن کتابهای «حمله حیدری» (جنگ نامه حضرت علی ) شاهنامه فردوسی و کتابهای عاشقانه توسط اشخاص خوش لحن و خوش آواز سروده و خوانده میشوند . واز ، بازی های محلی مانند : پشپو زدن ، کشتی گیری ، نیزه زدن و اسب دوانی نشان زدن ، پرتاب سنگ ، دور میخ ، گرگ و بره مروج است . هزاره گان روز های خاص و مقدس مذهبی شان چون ، روز نورو زده محرم ، لیلته القدر ، عید غدیر (خم غدیر) برات و چار شنبه

سو ری را با اکرام و عقیده خاصی تجلیل و تعقیب مینمایند که توأم است باندر و خیرا تنها .

و همچنان دهقانان که روزهای اول سال و اخیر سال را در زیارت گاه و یا مساجد به منظور حاصل زیاد از کشت و کارشان تجلیل و بر گزار مینمایند که اینهم با داد ندر و خیرات ها انجام میگردند .

### بخش اتنوگرافیا فی ملیت هزاره:

در مورد هزاره گان بو می کشور ما ، اشخاصی را عقیده براین بود ه که هزاره گان بقایای ا زلشکریان چنگیز خان بوده چنانکه ، در زمینه حکایه های افسانه و اسر داده شده جعل پرداز ی ها و نظر های ناصواب به مردم ما رایه گردیده ه که از این رو ، باید به این نادرستی های غیر باوری و قعی نگذاشت زیرا ، ریشه همگون و علمی و تاریخی ندارد . و بعضی از اهل نظر و موسفیدان این قوم را عقیده مطمئن بر این است که وجه تسمیه هزاره جات که اصلا هزار جهات یعنی هزاره دره است . نظر به تحقیق و مطالعات علمی بعضی از دانشمندان و اهل خبر و تماس های که با موسفیدان محل ها صورت گرفته در باره منشاء تاریخی تجمع ملیت هزاره ، آنان را عقیده براین است که ملیت هزاره از لحاظ تشکل تاریخی و اتنوگرافی (طایفه ، نژاد ) به قبایل بزرگ و مختلف منقسم و مسما گردیده اند که هر یک از آنان به «دای» یاد میشوند .

«۱- کلمه «دای» که معنایش دسته ، توده ، مجموعه بسیار و بزرگ است . هم در اساس مساکن و هم در نام مردم و نام آشیان تاکنون باقی است . جامع التواریخ اشخاص را از قوم فقرات که از جمله قبایل ترک است بنام های ، بایو دای - دی نو یان ، تودای خاتون ضبط کرده است .

۲- بایودای همان هر باتا نبد یشا ن تعلق داشته ... تو دای خاتون است . در فارسی باستان کلمه «دهیو» به معنای اقلیم ، سر زمین و ولایت به کار میرفته است .

۳- امکان دارد کلمات دی زنگی سر زمین زنگی بای - دایکندی سر زمین کندی بای - دای میرداد سرزمین میرداد - دای دیغو - سر زمین دهگان همه از همان کلمه (دهیو) ما خود باشد که از آنگاه تاکنون بر جا مانده اند و کلمات « بیو ، با یو بیگ و دی بصورت بسیط و مرکب در اسما مختلف وجود دارند.

( دی ) در زبان هزاره گی خواه بسیط ، خواه به معنای ذیل تاکنون مستعمل است:

دی ، کود و خره بز رگ علف ، گاه ، هیزم وغیره که بشکل ذخیره بز رگ روی هم انباشته باشد . دی بسیار زیاد ، مثال روغو دیدی دره . یعنی روغن بسیار دارد . ونیز «دای» به شکل پیشوند در اسما ، دیزنگی ، دیکندی ، دی دیغو ، دی چو پو ، دی میرداد دی ختای موجود است ... )

نمونه های از فرهنگ شفاهی هزاره گی  
کاندید اکادمیسین شاه علی اکبر شهرستانی .  
واما ، به عقیده هزاره گان وعوام کلمه دای ، به معنای تجمع خرمین وانبار شدن است . چنانکه در بین برادران پشتون ما ، قبیله ، طایفه خیل ، زی ، دسته و شاخه یاد میشود .  
بدین ترتیب ، ملیت هزاره به قبایل و یا (دای) های بز رگ ذیل تقسیم و یاد میشوند :

۱- دای ختای ( ارزگان )

۲- دای میرکشه ( در جاغوری )

- ۳-دای فولاد ( شمال ارزگان )
- ۴-دایکندی ( جنوب غربدایزنگی وایماق )
- ۵-دایزنگی ( در جنوب غرب کوه بابا )
- ۶-دایمیرداد ( در شرقدایزنگی )
- ۷-دایدهقان ( در بهسودشرقی )
- ۸-دایچوپان ( در جنوب شرقدایکندی )
- ۹-دایقوزی ( در شمال بامیانوشبر )
- ۱۰-دایمیرک
- ۱۱-دایکلان ( در علاقداری شیخعلی و لایت پروان )
- ۱۲-دایمردهگان ( در ولسوالیهای بهسود و لایت وردک و قرهباغ ولایت غزنی )



دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان  
در تاریخ کشور باستانی وطن پران فتح را اولین  
دولتی می باشد که مصمم است تساوی  
کامل و واقعی حقوق و امکانات مساویانه  
را برای رشد مادی و معنوی همه  
ملیتهای، اقوام و قبایل کشور تا مین  
کند .

برنامه عمل

اول: قبیلہ دای زنگی کہ شاخہ ہای آن قرار ذیل بودہ در  
 ولسوالی ہای پنجاب ورث ویکا و لنگ و لایت بامیان  
 و ولسوالی ہای لعل و سر جنگل و لایت غور بودہ باش دارند.

### در ولسوالی پنجاب :

قبیلہ → شاخہ لکڑیابی . ( قوم لکڑی )

قبیلہ → شاخہ شاہی .

شاخہ تانی .

شاخہ زیور .

شاخہ مرکہ و بابہ جی .

شاخہ ترخی .

شاخہ بامورک .

شاخہ فردوس .

- شاخه شخالا . . . . . و بی بی گلش
- شاخه ماموتو . . . . . آنکه گلش
- شاخه دلتور . . . . . گلش
- شاخه محمود . . . . . گلش
- شاخه سه پای . . . . .
- در ولسوالی ورث : . . . . . گلش
- شاخه شخه : . . . . . گلش
- شاخه میرپچه . . . . . گلش
- شاخه زاید م : . . . . . گلش
- شاخه پیرمزید : . . . . . گلش
- شاخه میرزا . . . . . گلش
- شاخه یاری . . . . . گلش
- شاخه برنی . . . . . گلش

- شاخه پترو .
- شاخه مقدم :
- شاخه باتورك .
- شاخه شاهي .
- شاخه لگزايي .
- شاخه بابہ جي .
- شاخه غيب على .
- شاخه خوردك زايي .
- در ولسوالي يكاولنگ :
- شاخه قوم آبه .
- شاخه ميربچه .
- شاخه خوردك زايي .

- شاخه صالح .

- شاخه لاکو .

- شاخه تکانه .

- شاخه انده ورستم .

در ولسوالی لعل و سرچنگل :

- شاخه قره قول دغی .

- شاخه نوروز بیگ .

- شاخه حیدر بیگ .

- شاخه اسدالله بیگ .

- شاخه میرحج .

- شاخه اسمیل .

- شاخه بوبک .

- شاخه شدک .

- شاخه کره .

- شاخه بابدهجی .

دوم؛ قبیلہ دایکندی کہ شاخہ مامی آن قسارزویل

بوده و در ولسوالی دایکندی ولایت ارزگان بود

باش دارند :

- شاخه خدیر .

- شاخه خودی .

- شاخه دوده .

- شاخه حیدر بیگ .

- شاخه دولت بیگ

- شاخه احمد بیگ

- شاخه فیروستان .
- شاخه میر هزار .
- شاخه ساریان .
- شاخه نیکه .
- شاخه پیکر .
- شاخه قم علی .
- شاخه چاوش .
- شاخه عبدی .
- شاخه وسعه .
- شاخه پای بوغه .
- شاخه پیر علی .
- شاخه عینک .

- شاخه سونه .
- شاخه مامک .
- شاخه ترموش .
- شاخه قوم مادی .
- شاخه خوشک .
- شاخه پاینده .
- سوم : قبیلہ داسی میرکشر کہ شاخہ های آن قرار ذیل  
بوده در ولسوالی های سر باغ جغتو، خواجہ عمری  
ناہور ولایت غزنی سکونت دارند :
- در ولسوالی جاغوری :
- شاخہ اتہ .
- شاخہ حوتقول .

- شاخه ده مرده .  
 - شاخه هیچه .  
 - شاخه بابیه .  
 - شاخه چهل باختر .  
 - شاخه سنگ ماشه .  
 - شاخه پاطو .  
 - شاخه سکه .  
 - شاخه خوشه .  
 - شاخه کوی .  
 - شاخه زیرک .  
 - شاخه داود .  
 - شاخه انگوری .

- شاخه حیدر .

- شاخه دولت شاهی .

- شاخه قره .

- شاخه باغچوی .

- شاخه خدایداد .

- شاخه بوسعید مهاجر .

- شاخه لومان .

- شاخه اکنه .

- شاخه خیرکد .

- شاخه سید علی .

- شاخه معصوم .

- شاخه نصر الله .

شاهه مرده خوش

- شاخه مرده خوش

شاهه احمد

- شاخه احمد

شاهه شعله

- شاخه شعله

شاهه با به کمال

- شاخه با به کمال

شاهه سید احمد علودال

- شاهه سید احمد علودال

شاهه باریک

- شاهه باریک

شاهه شیرزایده

- شاهه شیرزایده

شاهه ایندوری

- شاهه ایندوری

شاهه المیتو

- شاهه المیتو

شاهه سبزچوپ

- شاهه سبزچوپ

شاهه تبرغنگ

- شاهه تبرغنگ

شاخه کمرک .

در ولسوالی قریباغ :

شاخه محمد خواجه .

شاخه جمال .

شاخه بهبود .

شاخه دلتور .

شاخه چهار دسته .

شاخه دای میرک .

شاخه ده مرده .

در ولسوالی جغتو :

شاخه محمد خواجه .

شاخه نور بیگ .

شاخه قطفیت .

شاخه بیات .

شاخه شاهو .

در ولسوالی خواجده عمری :

شاخه الیاس .

شاخه بیات .

چهارم : قبیلہ داسی فولاد که دارای شاخه های ذیل

و در ولسوالی های مالستان، اجرستان و ولایت

غزنی و ولسوالی کجران و ولایت ارزگان زندگی

مینمایند :

در ولسوالی کجران :

شاخه میرهزار .

- شاخه خوشک .
- شاخه الله بار .
- شاخه قورمه .
- شاخه گنجی .
- شاخه غوله .
- شاخه گدای .
- شاخه میکه .
- در ولسوالی مالستان :
- شاخه ملکی .
- شاخه مکنک .
- شاخه پشی .
- شاخه شیرداغ .

- شاخه ایچده .

- شاخه میرآدینه .

- شاخه موریتی .

- شاخه داله .

- شاخه خوردک زایده .

- شاخه میراحمد .

- در ولسوالی اجرستان :

- شاخه دایده .

- شاخه باسی .

- شاخه دای بکره .

- شاخه بریکی .

- شاخه ...

پنجم :- قبیلہ دای کلان کہ شاخہ های آن قرار ذیل بوده  
 ولسوالی های سرخ پارسا، دوشی و علاقہ داری های  
 شیخ علی، تالہ برنگ، دہن غوری و در سزارہ های -

علاقہ داری حصہ دوم پنج شیر سکونت دارند :

در ولسوالی شیخ علی :

شاخہ نیمان .

شاخہ کرم علی .

شاخہ قرہ لوغ .

شاخہ خدای داد .

شاخہ غایب داد .

شاخہ امورداد .

شاخہ عبدالواحد .

شاخه زی قاضی .

شاخه زی عزیز .

شاخه شکرالله خوشحال .

شاخه توجیحی .

شاخه میرکه .

شاخه بهلول .

شاخه مقصود .

شاخه زی کاکه .

در علاقه داری حصه دوم پنجشیر :

شاخه بابا علی .

شاخه مهر علی .

شاخه سنگی خان .

- ۱. شاخه گلاب خیل .
- ۲. شاخه دوست علی .
- ۳. در ولسوالی سرخ پارسای ولایت پروان :
- ۴. شاخه خدیر .
- ۵. شاخه الله داد .
- ۶. شاخه شیرک .
- ۷. شاخه دولت خوانی .
- ۸. شاخه علی خوانی .
- ۹. شاخه قوتفندر .
- ۱۰. شاخه سرخ .
- ۱۱. شاخه رحمن قلی .
- ۱۲. شاخه ابدال .

شیخه لطف الله

- شاخه لطف الله -

شیخه فقیر الله

- شاخه فقیر الله -

شیخه پاینده

- شاخه پاینده -

شیخه زین عطا

- شاخه زین عطا -

شیخه شخه

- شاخه شخه -

شیخه بابہ تزل

- شاخه بابہ تزل -

شیخه مخفی

- شاخه مخفی -

شیخه شاد محمد

- شاخه شاد محمد -

شیخه منصور بیک

- شاخه منصور بیک -

در ولسوالی غور بند ولایت پروان :

شیخه فرینجل

- شاخه فرینجل -

- شاخه لیج .

- شاخه قول خول .

در علاقه داری تاله و برفک :

- شاخه کرم علی .

- شاخه اش خوجه .

- شاخه علی جم .

- شاخه شیخ علی .

در علاقه داری دهن غوری ولایت بغلان :

- شاخه نیمان .

- شاخه دای میرک .

- شاخه علی جم .

- شاخه قعی .

- شاخه لرخوری .
- شاخه ده مرده .
- شاخه بهبود .
- شاخه گاوی .
- شاخه قره لوغ .
- در ولسوالی دوشی ولایت بغلان :
- شاخه گاوی .
- شاخه گری .
- شاخه چهل غوری .
- شاخه علی جسم .
- شاخه نیک پی .
- شاخه شیخعلی .

شاخه لر خوی .

شاخه کوه گدای .

شاخه کرم علی

شاخه اش خوجه .

ششم :- قبیلہ دای دہقان کہ شاخہ های آن قرار

ذیل بود در ولسوالی های حصہ اول دوم بہسود ولایت

وردک و نادر ولایت غزنی سکونت دارند :

در ولسوالی مزکر بہسود :

شاخہ قبیلستان .

شاخہ خواجہ حسن .

شاخہ بہسود .

شاخہ میرشادی بیگ .

شاخہ رامونز .

- شاخه نوری .

- شاخه شیرداد .

- شاخه میریچه .

- شاخه دوست دار .

- شاخه چوکنده .

- شاخه تیزک .

- شاخه اب پای .

- شاخه درویشان .

درولسوالی ناو روایت غزنی :

- شاخه مومرک .

- شاخه قره قول .

- شاخه میزه .

- شاخه درویش علی .
- شاخه میشرادی بیگ .
- شاخه بهبود .
- شاخه میرچیه .
- شاخه خوردک زای .
- شاخه کلان زای .
- شاخه جمبود .
- شاخه خان بیان .
- شاخه خانبھادر .
- شاخه مرک .
- شاخه یرک .
- شاخه چولی .

- شاخه میرچمهل کند .

- شاخه بابه که .

- شاخه علی دوست .

- شاخه خوردی .

- شاخه الله داد .

- شاخه عطا .

در ولسوالی حصه اول بهاسود :

- شاخه دولت قلی .

- شاخه چولی .

- شاخه دولت مراد .

- شاخه ملا مراد .

- شاخه موشله .

- شاخه جانم .
- شاخه برغسان .
- شاخه قول خوش .
- شاخه خالیق .
- شاخه جرنی .
- شاخه برجکی .
- شاخه ابوالحسن .
- هفتم :- قبیلہ دایمیرداد کہ شاخہ های آن قرار ذیل  
 بوده کہ در علقہ قداری دایمیرداد ولایت وردگ  
 و ولسوالی قرہ باغ ولایت غزنی سکونت دارند ؛  
 در ولسوالی قرہ باغ ولایت غزنی ؛  
 - شاخہ دامردہ .

- شاخه دوله شه .
- شاخه گاومرده .
- در علاقداری دایمیرداد :
- شاخه علودال .
- شاخه مقصود .
- شاخه حیات .
- شاخه پشکر .
- شاخه دوله شه .
- شاخه قلندری .
- شاخه فخری .
- شاخه درمان .
- شاخه نرخی .

- شاخه جمبوغه .
- شاخه مومک .
- شاخه سلا میو .
- شاخه چنگه .
- شاخه توله خشه .
- هشتم :- قبیلہ دای قوزی کہ شاخہ های آن  
قرار ذیل بوده و در علاقہ داری شبر و قرا مرکز -  
ولایت بامیان ، کہمرد و سیغان سکونت دارند ؛  
در علاقہ داری شبر ولایت بامیان :
- شاخه درمان .
- شاخه غذک .
- شاخه خیده .

- شاخه شیخه .

- شاخه جلسیش .

- شاخه عادل .

- شاخه ایام .

- شاخه شاک .

- شاخه کشی .

- شاخه شاه قدم .

- شاخه عراق .

- شاخه غلام علی .

- شاخه ماموت .

- شاخه جواء .

- شاخه رشک .

- شاخه بدل.

- شاخه فوجنی .

- شاخه کوزی .

- شاخه جمع علی .

- در ولسوالی کهمرد و سیغان

- شاخه خواجه علی .

نهم :- قبیلہ دای میرک کہ یکی از قبائل کوچک ملیت

ہزارہ بودہ و در ولسوالی های مرکز ہیوسود ولایت

وردک و حصہ اول ہیوسود وردک و علاقہ قادری

دہن غوری ولایت بغلان سکونت دارند .

دہم :- قبیلہ دای چوپان کہ شاخہ های آن

قرار ذیل بودہ کہ در جنوب شرق ولسوالی -

دایندی در ولسوالی مای اجرستان ولایت غزنی  
 شهرستان و خاص ارزگان ولایت ارزگان -  
 و ولسوالی دای چوپان ولایت زابل سکونت دارند:

### در ولسوالی شهرستان :

- شاخه خوش آمدی .

- شاخه غولکه .

- شاخه میره مور .

- شاخه لورکر .

- شاخه برکر .

### در ولسوالی اجرستان ولایت غزنی :

- شاخه باسی .

- شاخه دای بکره .

- شاخه بریکی .

- شاخه دایه .

در ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان:

- شاخه زاوی .

- شاخه سیدان .

- شاخه شالی .

- شاخه باغچار .

- شاخه کالو .

- شاخه سیابغل .

- شاخه حسینی .

- شاخه سیوک .

شاخه های که در ولسوالی گزآب ولایت ارزگان

بود و باش دارند :

- شاخه میانه تاغ .

- شاخه بری .

- شاخه زین .

- شاخه خلیج .

یازدهم : قبیلہ دای ختای کہ بہ شکل پراگندہ در -

و لسوالی های خاص از زگان ، گزاب کچران ولایت

از زگان زندہ گی بینماید قبیلہ مذکور بہ مرور زمان -

بداخل شاخہ های جداگانہ ادغام گردیدہ است .

دوازدهم : قبیلہ دامردہ گان در و لسوالی های -

مرکز بہسود ولایت وردک ، قرہ باغ ولایت غزنی ،

و علاقہ داری دہن غوری ولایت بغلان سکونت

داشته به مرور زمان قبیله مذکور در بین شاخه های دیگر  
ادغام یافته و کدام شاخه جداگانه از خود ندارد .

قسمتی از قبایل دوازده گانه مناطق هزاره نشین  
کشور در زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان از مناطق  
اصلی بود و باش شان در ولسوالی ها و محلات زون  
شمال شرق و شمال غرب کشور فراری گردیده که ذیل  
از محلات مسکونی شان نام برده میشود :

- ۱- ولسوالی خان آباد ولایت کندز .
- ۲- علاقه داری علی آباد ولایت کندز
- ۳- علاقه داری های خنجان ولایت بغلان و دره هزاره
- ۴- ناینجشیر ولایت پروان .
- ۴- ولسوالی های اندراب ولایت بغلان ولسوالی نهرین ولایت بغلان .

۵- ولسوالی های تیوره، تولک، پسابند ولایت غور مرکز  
ولایت بادغیس .

۶- ولسوالی های چمتال، بلخ و نهر شاهلی ولایت بلخ .

۷- ولسوالی درصوف ولایت سمنگان .

۸- علاقدهاری های شوگر و چارکنت ولایت بلخ .

۹- ولسوالی های سرپل و سنگ چارک ولایت جوزجان

۱۰- علاقدهاری بلخ آب ولایت جوزجان .

۱۱- قریه جات پشت بند مرکز ولایت سمنگان .

۱۲- ولسوالی پلخمری ولایت بغلان .

۱۳- ولسوالی روی دو آب ولایت سمنگان .

۱۴- ولسوالی کشم ولایت بدخشان .

۱۵- علاقدهار خوشی ولایت لوگر .



۱۶- مراکز ولایات ہرات، کندھار و تخار، شہر  
مزار شریف و بلند.

باید تذکرہ داد کہ قبایل دوازده گانہ ملیت ہزارہ

در مراکز ولایات و لسوالی ما و عملاً قدری مای فوق الذکر

با فیصدی مای مختلف و شاخہ مای جداگانہ

زندگی مسی نمایند.

## وضع خلق هزاره بعد از انقلاب ثور:

انقلاب ملی - دموکرا تیک ثور ریا (دیگر گونی های حیاتی در سطح ملی). آنچه در وضع تاریخی هزاره گان تا انقلاب ثور گفته آمد بر هیچیک از اهل خبره، چیز فهم و روشنفکران و طن پرست پوشیده نبوده حتی برای فرد فرد موسفید، سالخورده گان تمام ملیت های خورد و بزرگ کشور. ولی از آنجا و روز گاری که پنجه و قدم های خناس استعمار یا جهان خوار انگلیس بر تانوی در سر زمین یاستانی و نامور افغانستان فر و گذاشته شد دیگر از هم گسیخته گی ملی و برادری، ستم و تبعیض ملی رایج گردیده سود او بازار، امتیاز عمل و رونما شد. شاهان الله، که بنیان گذار دوستی افغانستان و اتحاد شوروی شد و خشت و آجر محتوم و پایه دار خلق این دو کشور همسایه و برادرانهاد. این به مذاق سالاران بی فرهنگ و خود کامه داخلی و غارتگران انگلیسی بد آمده، نتیجه همان شد که سراسر ملیت های نیک نیت افغانستان زیر چکمه های ویرانی قرار گرفته تخم امتیاز و تبعیض واحد بینهایت کاشته شد همه ملیت ها، تحت ضرب، تاخت و تا ز غارتها کمر خم نمودند. به خصوص به شکل زیاد بی رحمانه، ملیت مظلوم هزاره وطن. اما خوشبختانه که آن جریان و زمان بر خلق افغانستان نتوانست که دیر گاه هان بپاید، زیرا، که انقلاب کبیر اکتوبر، گاه ها پیش تاثیرش را در سرنوشت و جان مردم افغانستان گذاشته و بخشوده بود. خلق نجیب و پاک طینت افغانستان، با استعداد فطری و خدا داده شان، با آنکه سالها پیش گردن در طوق اسارت و استعمار کهن ننهادند بودند و حال که پنجه های امپریالیزم ایالات متحده امریکا در شوون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خلق افغان نفوذ داده شده بود، دیگر نمیتوانست که انقلاب ملی - دموکرا تیک در افغان - نیستان صورت نگیرد. چون انقلاب خواست مردم افغانستان بود و

انقلاب و آزاده منشی در خون و جان مردم ما، عجیب و به سر شمت شده بود ازینرو انقلاب پیروز شد و خلق افغانستان حاکم سر نوشت و راه و هدفی را که انتخاب کرده، بودند بدان نایل شدند. درین میان، به خصوص خلق هزاره وطن.

بعد از پیروزی انقلاب ثور، بالاخص بعد از پیروزی مرحله تکامل آن، تمام ملیت های براد افغانستان در کنار هم باتساوی حقوق کامل قرار داده شدند. از جمله هزارگان در بخش های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر خوردار گردیدند. از همه که بگذریم، ایجاد و تاسیس شورای مرکزی مردم زحمتکش ملیت هزاره را باید یاد آور شد. تا سیس این شو را، یک پدیده تصادفی نبود. این حاصل کار و عمل انقلاب و حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که میتوان آنرا یکی از دست آورد های سیاست ملی و انسانی انقلاب و حزب دانست، که در آن هزاره ها به حل امور زنده گی شان میرسند. از این جهت هزارگان بعد از انقلاب ثور، به منظور تحکیم پایه های انقلاب و حاکمیت ملی سهم، معین و براننده در ایجاد قوت های قومی و گروه های مدافع انقلاب گرفته سهم و تصمیم بیدریغ در تقویت صفوف قوای مسلح ج.د.ا، ( اتخاذ نموده اند. ازین و فیض انقلاب زمینه برای شمول هزارگان در کادر های ملکی، نظامی، دولتی، حزبی و به شکل همه جانبه در همه امور اجتماعی میسر گردیده که بیشتر فراهم میگردد، اکنون، دروازه های تحصیل همه موسسه های تعلیمی و قوای مسلح به روی هزاره گان باز است. و زمینه شمول جوانان و فرزندان ملیت هزاره در تمام موسسه های تحصیلی و علمی کاملاً میسر و مهیا میباشد.

۵۳-  
قرنهای دور در گذشته